

اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر کاهش علایم اختلال سلوک در دانش‌آموزان دختر مرکز تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی شهرستان گرگان

هاله ساجدی^۱، جعفر شعبانی^۲، سید مجتبی عقیلی کردمحل^۳

^۱کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، واحد گرگان (نویسنده مسئول)

^۲استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد گرگان

^۳استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد گرگان

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر کاهش علایم اختلال سلوک در دانش‌آموزان مرکز تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی گرگان بود. روش پژوهش حاضر از نوع کاربردی و نیمه آزمایشی، پیش‌آزمون- پس‌آزمون می-باشد. ابزار مورد استفاده پرسشنامه‌های هوش اخلاقی، اختلال سلوک، پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان (کوای و پترسون)، جامعه مورد مطالعه دانش‌آموزان کانون تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی (استان گلستان، مرکز گرگان) در سال ۱۳۹۶ می‌باشند حجم نمونه ۵۰ نفر (شامل ۲۵ نفر گروه آزمایش و ۲۵ نفر گروه کنترل)، روش نمونه‌گیری، به صورت تصادفی که نمونه‌ها، در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار spss-21 صورت گرفت. نتایج نشان داد که آموزش هوش اخلاقی در گروه آزمایش موجب کاهش رفتارهای فریبکاری، پرخاشگری، رفتار تخریب اموال، بی‌مسئولیتی و روابط بین فردی ضعیف می‌شود بنابراین لازم است که مسئولان مرکز تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی گرگان با برگزاری کلاس‌های آموزشی با بالا بردن سطح فکری دانش‌آموزان دختر، آنها را در رسیدن به هوش اخلاقی مطلوب در رویارویی با مشکلات یاری رسانند.

واژه‌های کلیدی: اثربخشی، هوش اخلاقی، اختلال سلوک، دانش‌آموزان، مرکز تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی

مقدمه

اختلال سلوک یکی از مشکل‌ترین و مورد بحث‌ترین مسایل سلامت روان در کودکان و نوجوانان است (برنهارد و دیگران، ۲۰۲۱). این اختلال مجموعه‌ای از رفتارهای ضد اجتماعی پایدار کودکان است که باعث اختلال در چند زمینه عملکردی آنان می‌شود و ویژگی آن پرخاشگری و تجاوز به حقوق دیگران است (ون گوزن و دیگران، ۲۰۲۲).^۴ بر طبق تعریف تجدیدنظر شده در چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی اختلال سلوک، علایمی مانند رفتار پرخاشگرانه که موجب تهدید یا صدمه رساندن به اطرافیان یا حیوانات شود، رفتارهایی که موجب وارد آوردن زیاده یا خسارت مالی می‌گردد، فریبکاری و تقلب یا دزدی و نقض جدی مقررات دارد (یوسفی و هوشیاری، ۱۳۹۴).

دکتر بوربا بدون تکیه بر نظریه‌های اخلاقی، اندرز دادن یا فلسفه انتزاعی، راه جدیدی را برای درک ارزیابی و ایجاد هفت فضیلت اساسی در فرزندان مان که هوش اخلاقی را می‌سازند، مطرح ساخته است، این هفت فضیلت عبارتند از: همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری، و انصاف (بوربا، ۱۳۹۲).

مفهوم هوش اخلاقی یکی از مسایل تربیتی مهم در عصر حاضر است، که در روند پر شتاب جامعه کنونی، در حال فراموشی است. تاکید بر هوش اخلاقی کودکان و نوجوانان یکی از جنبه‌های مهم هوش می‌باشد، زیرا در قرن حاضر، عوامل زیادی ارزش‌های اخلاقی کودکان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، عواملی که از نظارت والدین و مربیان تربیتی، خارج است (امینی مقدم و همکاران، ۲۰۱۹)، آنان همانند افراد بهنجار رفتارهایی چون کمک به دیگران، همکاری، مشارکت یا سایر هوش اخلاقی را مورد توجه قرار نمی‌دهند. زیرا تبعیت از اصول اخلاقی بدون درک آنها امکان پذیر نیست. بسیاری از روان شناسان و دست اندرکاران رشد کودک خاطر نشان ساخته اند که روند رشد استدلال‌های اخلاقی در افراد دارای اخلاق سلوک کندتر از هنجار همسن و ساله‌ایشان است (رحیم و لی، ۲۰۲۰).^۵

به همین دلیل آنان در سطوح پایین‌تری از هوش اخلاقی قرار دارند (ربیعی و همکاران، ۱۳۸۹) و همینطور اکرمی (۱۳۷۱) در مطالعه خود نشان داد که بین قضاوت اخلاقی کودکان و نوجوانان بزهکار تفاوت معنی‌دار وجود دارد و کودکان و نوجوانان عادی از لحاظ درک اخلاقی در سطوح رشد یافته‌تری از مراحل کلبه‌گ قرار دارند، در حالیکه جنیدی (۱۳۷۸) به عدم تفاوت بین نوجوانان عادی و بزهکار در زمینه تحول قضاوت اخلاقی دست یافتند (که‌ریزه، ۱۳۹۵). کودکان مبتلا به مشکلات سلوک، در مدرسه مشکلات بسیاری دارند، مشکلاتی همچون: نداشتن موفقیت‌های تحصیلی، ماندن در یک کلاس، قرار گرفتن در کلاس‌های آموزشی خاص، ترک تحصیل، بازداشت، تعلیق

^۴Conduct disorder^۵Bernhard et al^۶Van Goozen et al^۷DSM-IV^۸Rhim, & Lee

و اخراج، اگر چه ناکامی و غیراخلاقی شدن، همراه با شکست‌های تحصیلی می‌تواند منجر به رفتارهای ضداجتماعی در برخی از کودکان شود، مدارک اندکی وجود دارد که نشان دهد شکست تحصیلی، بویژه در دوران کودکی، علت اصلی رفتار جامعه ستیزانه است (ابکینز و هودگسون ، ۲۰۱۵)، از آنجا که بسیاری از کودکان خیلی قبل از آنکه وارد مدرسه شوند، الگوهای رفتار جامعه ستیزانه را از خود نشان می‌دهند، به احتمال زیاد یک عامل زیر بنایی مشترک، مانند نقص‌های عصب-روانشناختی، نقص در کارکردهای کلامی یا وضعیت نامساعد اجتماعی-اقتصادی، علت هر دو مشکلات تحصیلی و مشکلات سلوک است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۴).

احتمال زیادی است که کودکان مبتلا به مشکلات سلوک، در زبان و خواندن، دچار ضعف تحصیلی باشند. همچون نقص در کارکردهای کلامی و اجرایی، ارتباط میان مشکلات سلوک و ضعف‌های تحصیلی با حضور (ADHD)، بهتر توجیه می‌شود. کودکان مبتلا به مشکلات سلوک که (ADHD) ندارند، احتمالاً بیشتر از سایر کودکان نقص تحصیلی نشان نمی‌دهند. بنابراین، مشکلات سلوک، به نداشتن موفقیت تحصیلی مربوط است ولی (ADHD) عامل واسطه بسیار مهمی است. (ساخودولسکی و مارتین ، ۲۰۰۷).

۷

اختلال سلوک، مجموعه‌ای از رفتارهای ضد اجتماعی پایدار در کودکان است که باعث اختلال در چند زمینه‌ی عملکردی آنان می‌شود و ویژگی آن پرخاشگری و تجاوز به حقوق دیگران است. براساس تعریف تجدید نظر شده در چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، اختلال سلوک و اختلال نافرمانی مقابله‌ای مربوط به دوران کودکی و نوجوانی هستند، علامت اساسی اختلال سلوک، الگوی تکراری و پیوسته رفتاری است که در آن حقوق اساسی دیگران متناسب با سن فرد نقض می‌شود (نجفی و همکاران، ۱۳۸۸).

این گونه رفتارها در سه مورد (یا بیشتر) از معیارهای زیر در ۱۲ ماه گذشته باید وجود داشته باشند: رفتار پرخاشگرانه که موجب تهدید یا صدمه رساندن به سایرین یا حیوانات می‌شود، رفتاری که موجب وارد آوردن زیان یا خسارت مالی می‌شود، فریبکاری یا دزدی، نقض جدی مقررات، با توجه به اینکه اختلال‌های رفتاری، همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، هرگونه تلاشی که در زمینه شناسایی و تشخیص، پیشگیری، کنترل و درمان صورت گیرد و بهداشت روانی جامعه را ارتقا بخشد، ارزشمند است. در این زمینه همه گیرشناسی اختلال‌های رفتاری کودکان به مثابه یکی از راهبردهای شناسایی و تشخیص اختلال‌های مورد نظر است و بررسی شیوع آن، نقش مهمی در تدوین برنامه‌های جامع بهداشتی و اقدام برای پیشگیری دارد (زینالی و همکاران، ۱۳۹۴).

در چهار سالگی تفاوت‌های جنسیتی مشخصی در میزان و شدت رفتارهای ضد اجتماعی وجود دارد. در دوران کودکی، میزان رفتارهای ضد اجتماعی در پسرها حدود سه تا چهار برابر بیشتر از دختران است که در سنین پایین‌تر نمایان می‌شود و دوام بیشتری هم دارد. با وجود این بسیاری از دختران نیز مشکلات شدیدی را از خود نشان

Opkins & Hodgson

۷. Sukhodolsky & Martin

می‌دهند، به طوری که دامنه بروز این مشکلات در دختران به طور میانگین ۳ درصد است (کبودین، ۱۳۹۱)، بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اثر بخشی آموزش هوش اخلاقی بر کاهش علائم اختلال سلوک در دانش‌آموزان دختر مرکز کانون تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی شهرستان گرگان می‌باشد. با نظر به آنچه گفته شد فرضیه زیر قابل تدوین است:

آموزش هوش اخلاقی بر کاهش اختلال سلوک در دانش‌آموزان کانون اصلاح رفتار بهزیستی تاثیر دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. که در آن از طرح نیمه آزمایشی استفاده خواهد شد. در این طرح مورد نظر از نوع پیش‌آزمون با گروه کنترل انجام خواهد شد. جامعه آماری ۵۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مرکز تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی شهرستان گرگان خواهند بود. که داوطلبانه به صورت داوطلبانه در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین خواهند شد. و بعد از انتخاب براساس سن و تحصیلات با یکدیگر هم‌تا خواهند شد. و از هر دو گروه پیش‌آزمون هوش اخلاقی و اختلال سلوک به عمل خواهد آمد. پس از آن طی دو ماه آموزش هوش اخلاقی انجام خواهیم داد و بعد از اتمام آموزش به طور هم‌زمان و در شرایط یکسان پس‌آزمون اجرا خواهد شد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه هوش اخلاقی: به عنوان توانایی کاربرد اصول اخلاقی جهانی در اخلاقیات، اهداف و مراودات یک فرد از روی قاعده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سوال بوده و هدف آن بررسی ابعاد مختلف هوش عاطفی (عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها، و باورها، راستگویی، استقامت و پافشاری برای حق (ایستادگی بخاطر حقیقت)، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی، اقرار به اشتباهات و شکست‌ها، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، فعالانه علاقمند بودن به دیگران (اهمیت دادن خودجوش به دیگران)، توانایی در بخشش اشتباهات خود، توانایی در بخشش اشتباهات دیگران است. شیوه نمره‌گذاری آن در جدول زیر ارائه شده است.

این پرسشنامه دارای ۱۰ بعد بوده که ابعاد و سوالات مربوط به هر بعد در جدول زیر ارائه شده است: برای بدست آوردن امتیاز هر بعد، مجموع امتیازات سوالات مربوط به آن بعد را با هم جمع نمائید. نمرات بالاتر نشان دهنده توانایی فرد پاسخ‌دهنده در آن بعد خواهد بود و برعکس.

پرسشنامه درجه بندی تشخیص اختلال سلوک (RSDCD): اختلالات رفتاری شامل رفتارهایی در کودکان و نوجوانان است که با سنین آنها متناسب نیست، با وضعیت فرهنگی آنها همخوانی ندارد و شرایط اخلاقی محیط زندگی اینگونه رفتارها را تایید نمی‌کند. این عدم تناسب در رفتارها و هیجان‌ها بر زندگی عمومی فرد اثر می‌گذارد و نشانه‌های آن را می‌توان در تحصیل، زندگی اجتماعی و شخصی فرد دید (اسدپور، ۱۳۸۴). تعریف دیگر اختلال سلوک عبارتست از: الگوهای تکرار شونده و مستمر رفتارهای ضداجتماعی، پرخاشگرانه یا متمرده، چنین رفتارهایی در شدیدترین حالت خود معادل نقص عمده انتظارات اجتماعی است که برای کودکی همسن و سال مراجع مطرح

می‌شود (هاربرت، ۱۳۷۹). اختلالات رفتاری روزمره، اختلالات شایع ناتوان کننده‌ای هستند که برای معلمان و خانواده‌هایشان مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند و با نرخ‌های بالایی از معطلات اجتماعی همراه هستند (کشکولی، ۱۳۸۰). از جمله مهمترین این اختلالات می‌توان به اختلال سلوک اشاره کرد. اختلال سلوک در کودکی و نوجوانی شایع است و تقریباً ۶ تا ۱۶ درصد پسران و ۲ تا ۹ درصد دختران زیر ۱۸ سال به اختلال سلوک مبتلا هستند (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۹). مشخصه اساسی اختلال سلوک شامل نادیده گرفتن حقوق اساسی دیگران و قواعد عمده اجتماعی است که به صورت پرخاشگری، تقلب، سرقت، تخریب اموال و تخلف جدی از قوانین به طور پایدار و تکراری اتفاق می‌افتد (میلانی فر، ۱۳۸۰). فرآیندهای سبب شناختی مختلف همچون رفتار پرخاشگرانه و ضداجتماعی که زیربنای اختلال سلوک را تشکیل می‌دهند موضوع پژوهش‌های فراوانی بوده است. با عنایت به اینکه یک سوم جمعیت جهان را کودکان تشکیل می‌دهند، یک بررسی گسترده در مورد کودکان معلوم کردن که فقط ۲۹ درصد آنهایی که واجد شرایط هر نوع تشخیص اختلال روانی بر مبنای راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی انجمن روانپزشکی آمریکا هستند توسط والدینشان به معلم با متخصص بهداشت روانی جهت کمک ارجاع می‌شوند و این در حالی است که چندین بررسی همه گیرشناسی با مقیاس وسیع در ایالات متحده، اروپا و استرالیا مشخص کرد که بین ۱۴ تا ۲۰ درصد کودکان به مشکلات روانی و رفتاری متوسط تا شدید مبتلا هستند (روزنهان و مارتین، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۱). پرسشنامه درجه بندی تشخیص اختلال سلوک (RSDCD) در سال ۱۳۸۹ توسط شهریوری و همکاران ساخت و هنجاریابی شد. این پرسشنامه نسخه مخصوص معلمان است بدین منظور که این پرسشنامه می‌بایست در اختیار معلمان قرار گیرد تا آنها به ارزیابی وجود یا عدم وجود اختلال سلوک در دانش‌آموزان بپردازند. این پرسشنامه مشتمل بر ۳۵ سوال و پنج عامل می‌باشد که عبارتند از پرخاشگری، بی‌مسئولیتی، فریبکاری، خرابکاری، و روابط بین فردی ضعیف.

یافته‌ها

جدول ۱. کمترین و بیشترین حد و انحراف معیار و چولگی و کشیدگی و میانگین متغیرهای پژوهش (گروه کنترل - پیش آزمون)

تعداد	کمترین حد	بیشترین حد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی		
۵۰	۲۸	۴۰	۳۳/۹۶	۳/۸۶۷	-۰/۱۷۸	-۱/۴۲۴	پیش آزمون	پرخاشگری
۵۰	۳۱	۳۷	۳۳/۹۶	۱/۶۴۵	۰/۰۰۸	-۱/۱۰۳	پس آزمون	
۵۰	۲۸	۳۹	۳۳/۶۸	۲/۵۴۵	-۰/۱۳۷	۰/۵۰۳	پیش آزمون	اختلال بی مسئولیتی سلوک
۵۰	۳۱	۳۶	۳۳/۷۶	۱/۳۶۳	۰/۰۴۳	-۰/۶۶۹	پس آزمون	
۵۰	۲۹	۳۶	۳۱/۸۰	۱/۸۴۸	۰/۵۷۷	-۰/۵۱۹	پیش آزمون	فریبکاری
۵۰	۲۹	۳۶	۳۲/۳۶	۱/۷۷۷	۰/۰۸۱	-۰/۵۵۱	پس آزمون	
۵۰	۱۷	۲۳	۲۰/۰۰	۱/۶۳۳	-۰/۱۸۷	-۰/۶۷۵	پیش آزمون	خرابکاری

۵۰	۱۸	۲۴	۲۱/۱۶	۱/۴۰۵	-۰/۲۱۰	۰/۰۶۱	پس آزمون	
۵۰	۲۰	۲۹	۲۴/۳۲	۲/۶۲۶	-۰/۱۳۹	-۰/۸۸۱	پیش آزمون	روابط بین
۵۰	۲۰	۲۸	۲۵/۲۰	۱/۸۹۳	-۰/۹۵۳	-۰/۸۳۹	پس آزمون	فردی ضعیف
۵۰	۱۲۹	۱۵۴	۱۴۳/۷۶	۶/۵۸۵	-۰/۴۰۴	۰/۸۰۶	پیش آزمون	هوش اخلاقی
۵۰	۵۶	۷۶	۶۵/۵۶	۴/۱۶۴	۰/۲۱۱	۲/۱۶۹	پس آزمون	
۵۰							کل	

پاسخگویی به فرضیه های پژوهش

به منظور پاسخگویی به فرضیه های پژوهش بسته به مقیاس اندازه گیری، جهت دار بودن و یا بدون جهت بودن و همچنین پیوسته و یا گسسته بودن داده ها از آزمون های متفاوت استفاده می شود. ضمناً نرمال بودن متغیرها در قسمت توصیفی با استفاده از چولگی و کشیدگی اثبات شده بنابراین آزمون های پارامتریک بر روی متغیرها قابل اجرا می باشد.

جدول ۲. آزمون لوین جهت بررسی همگن یا ناهمگن بودن واریانس ها

تست لوین جهت برابری واریانس ها		
مقدار (F)	سطح معناداری (si g)	
۰/۷۶۵	۰/۳۸۶	پرخاشگری
۲/۳۳۲	۰/۱۳۳	بی مسئولیتی
۱/۲۰۴	۰/۲۷۸	فریبکاری
۰/۰۶۵	۰/۸۰۱	خرابکاری
۰/۰۰۲	۰/۹۶۸	روابط بین فردی ضعیف
۱/۵۲۸	۰/۲۲۲	اختلال سلوک کل

باتوجه به جدول (۴-۱۱)، چون $\text{Sig} < 0.05$ ، است، یعنی فرض H_1 رد می شود و فرض H_0 پذیرفته می شود یعنی واریانس‌ها برابرند و چون پیش شرط برابری واریانس‌ها رعایت شده است بنابراین می توانیم از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده کنیم.

جدول ۳. نتایج تحلیل آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره جهت تعیین تاثیر آموزش هوش اخلاقی بر ابعاد اختلال سلوک

نام آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور سهمی اتا	توان آماری
اثر پیلائی	#/۹۳۲	#/۰۶۱	#	#۹	#/۰۰۰	#/۹۳	۱
لامبادای ویلکز	#/۰۶۸	#/۰۶۱	#	#۹	#/۰۰۰	#/۹۳	۱
اثر هوتلینگ	#۳/۶۵۵	#/۰۶۱	#	#۹	#/۰۰۰	#/۹۳	۱
بزرگترین ریشه روی	#۳/۶۵۵	#/۰۶۱	#	#۹	#/۰۰۰	#/۹۳	۱

همان گونه که در جدول (۴-۱۲)، نشان داده شده است، چون مقدار sig (سطح معناداری) در هر ۴ آزمون (اثر پیلائی و لامبادای ویلکز و اثر هوتلینگ و بزرگترین ریشه روی) کمتر از ۰/۰۱ شده است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین گروه آزمایش و کنترل از لحاظ متغیر وابسته اختلال سلوک و مولفه‌هایش با احتمال ۹۹ درصد تفاوت معناداری (با کنترل عامل پیش آزمون) وجود دارد.

بر این اساس می توان بیان داشت که دست کم در یکی از مولفه‌های اختلال سلوک (پرخاشگری، بی مسئولیتی، فریبکاری، خرابکاری، روابط بین فردی ضعیف) بین دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد، شاخص دیگری که باید به آن توجه شود، «اندازه اثر» می باشد که در جدول با عنوان مجذور اتا مشخص شده است، مجذور اتا نشان دهنده‌ی درصدی از واریانس نمرات اختلال سلوک می باشد که در اثر اجرای عمل آزمایشی بوجود آمده است که اندازه اثربخشی آموزش هوش اخلاقی در کل، در پژوهش حاضر برابر (۰/۹۳) ۹۳ درصد می باشد، یعنی ۹۳ درصد از تغییرات نمرات مولفه‌های اختلال سلوک ناشی از آموزش هوش اخلاقی می باشد به زبان دیگر، آموزش هوش اخلاقی باعث ۹۳ درصد تغییر در نمره‌های مولفه‌های اختلال سلوک گردیده است و توان آماری برابر ۱ است.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری در متن مانکوا مربوط به تاثیر هوش اخلاقی بر مولفه‌های اختلال سلوک

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری sig	مجذور سهمی اتا	توان آماری
پرخاشگری	#۶۲۳/۱۵۶	#	#۶۲۳/۱۵۶	#۹۴/۷۹۲	#/۰۰۰	#/۹۰	۱
بی مسئولیتی	#۷۱۹/۵۶۸	#	#۷۱۹/۵۶۸	#۰۴/۷۹۹	#/۰۰۰	#/۹۰	۱
فریبکاری	#۰۵۸/۴۶۱	#	#۰۵۸/۴۶۱	#۷۸/۴۱۶	#/۰۰۰	#/۸۷	۱
خرابکاری	#۳۶۰/۸۹۵	#	#۳۶۰/۸۹۵	#۹۹/۷۱۴	#/۰۰۰	#/۹۲	۱
روابط بین فردی ضعیف	۲۲۳۹/۰۹۱	۱	۲۲۳۹/۰۹۱	۳۴۱/۵۷۵	۰/۰۰۰	۰/۸۹	۱
اختلال سلوک کل	۶۷۹۶۱/۱۵۲	۱	۶۷۹۶۱/۱۵۲	۵۱۳/۵۴۲	۰/۰۰۰	۰/۹۲	۱

جدول ۵. میانگین های تعدیل شده مولفه های اختلال سلوک در دو گروه آزمایش و کنترل

فاصله اطمینان ۹۵٪		خطای استاندارد	میانگین	گروه	متغیرها
تخمین بالا	تخمین پایین				
۱۶/۷۴۹	#۴/۲۰۰	#۱۶۳۲	#۵/۴۷۵	آزمایش#	پرخاشگری
۳۵/۲۰۰	#۲/۶۵۱	#۱۶۳۲	#۳/۹۲۵	کنترل#	
۱۵/۹۶۷	#۳/۴۱۸	#۱۶۳۲	#۴/۶۹۳	آزمایش#	بی مسئولیتی
۳۴/۶۶۲	#۲/۱۱۳	#۱۶۳۲	#۳/۳۸۷	کنترل#	
۱۶/۴۳۸	#۳/۶۵۰	#۱۶۹۱	#۵/۰۴۴	آزمایش#	فربیکاری
۳۳/۳۹۰	#۰/۶۰۲	#۱۶۹۱	#۱/۹۹۶	کنترل#	
۱۰/۴۴۰	#۱/۰۵۲	#۱۳۴۴	#۱/۷۴۶	آزمایش#	خرابکاری
۲۱/۷۴۸	#۰/۳۶۰	#۱۳۴۴	#۱/۰۵۴	کنترل#	
۱۱/۵۰۴	۹/۳۵۱	۰/۵۳۴	۱۰/۴۲۸	آزمایش#	روابط بین فردی ضعیف
۲۶/۰۰۹	۲۳/۸۵۶	۰/۵۳۴	۲۴/۹۳۲	کنترل#	
۷۰,۲۲۳	۶۰/۵۴۶	۲/۳۹۹	۶۵/۳۸۵	آزمایش#	اختلال سلوک کل
۱۵۰,۱۳۴	۱۴۰/۴۵۷	۲/۳۹۹	۱۴۵/۲۹۵	کنترل#	

با توجه به جدول (۴-۱۴): بر اساس نتایج حاصل از آزمون مانکووا؛ برای نمرات پرخاشگری ($F=۳۹/۷۲, sig = ۰/۰۰۰$) و برای بی مسئولیتی ($F=۴۰/۸۰, sig = ۰/۰۰۰$) و برای فربیکاری ($F=۲۸/۴۲, sig = ۰/۰۰۰$) و برای خرابکاری ($F=۵۰/۷۱, sig = ۰/۰۰۰$) و برای روابط بین فردی ضعیف ($F=۳۴/۵۸, sig = ۰/۰۰۰$) و برای اختلال سلوک کل ($F=۵۱/۵۴, sig = ۰/۰۰۰$) بدست آمد که می توان بیان کرد که مولفه های پرخاشگری و بی مسئولیتی و فربیکاری و خرابکاری و روابط بین فردی ضعیف و سلوک کل، از لحاظ آماری با احتمال ۹۹ درصد معنادار می باشند، عبارت دیگر این یافته ها بیانگر این مطلب است که آموزش هوش اخلاقی در پس آزمون، موجب کاهش تمامی مولفه های اختلال سلوک در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شده است، همچنین میزان اندازه اثر (اتا) در مرحله پس آزمون در پرخاشگری برابر (۰/۹۰) یعنی ۹۰ درصد تغییرات نمره پس آزمون در پرخاشگری مربوط به آموزش هوش اخلاقی بوده است و در بی مسئولیتی برابر (۰/۹۰) یعنی ۹۰ درصد تغییرات نمره پس آزمون در بی مسئولیتی مربوط به آموزش هوش اخلاقی بوده است و در فربیکاری برابر (۰/۸۷) یعنی ۸۷ درصد تغییرات نمره پس آزمون در فربیکاری مربوط به آموزش هوش اخلاقی بوده است، و در خرابکاری برابر (۰/۹۲) یعنی ۹۲ درصد تغییرات نمره پس آزمون در خرابکاری مربوط به آموزش هوش اخلاقی بوده است و در روابط بین فردی ضعیف برابر (۰/۸۹) یعنی ۸۹ درصد تغییرات نمره پس آزمون در روابط بین فردی ضعیف مربوط به آموزش هوش اخلاقی بوده است و در نهایت در اختلال سلوک کل برابر (۰/۹۲) یعنی ۹۲ درصد تغییرات نمره پس آزمون در

تکانشگری کل مربوط به آموزش هوش اخلاقی بوده است و توان آزمون آماری برای پرخاشگری، بی‌مسئولیتی، فریبکاری، خرابکاری، روابط بین فردی ضعیف و اختلال سلوک کل برای تمام مولفه‌ها برابر با یک می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر کاهش علایم اختلال سلوک در دانش‌آموزان دختر مرکز تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی شهرستان گرگان بود. یافته‌ها نشان داد که آموزش هوش اخلاقی بر کاهش رفتار خرابکارانه در دانش‌آموزان کانون اصلاح رفتار بهزیستی تاثیر داردنتایج حاصل از این فرضیه حاکی از این است که بین هوش اخلاقی با رفتار خرابکاری رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی آموزش هوش اخلاقی باعث کاهش پرخاشگری در نوجوانان می‌گردد. یعنی هر چه آموزش اخلاق در خانواده‌ها یا مدارس و مؤسسات با کیفیت خوبی برگزار شود، رفتار خرابکاری در نوجوانان کمتر می‌گردد، با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که افزایش و کاهش یکی از متغیرها بر نوجوانان اثر دارد. بر اساس نتایج حاصله از بررسی فرضیه‌های اصلی تحقیق حاکی از رابطه معنی‌دار بین متغیرها می‌باشد، و اهمیت آموزش هوش اخلاقی بر رفتار خرابکاری بیشتر احساس می‌گردد.

از این رو تجزیه و تحلیل موضوع و آگاهی از اثرات هر یک از متغیرها بر روی نوجوانان سازمان‌ها را به سوی اقدامات جدی به منظور پیشگیری از عواقب نامطلوب در محیط‌های خانوادگی و آموزش سوق می‌دهد، در نوجوانان دچار مشکلات سلوک گسترده‌ای از رفتارهای خلاف قانون مثل تخریب و خرابکاری روی می‌دهد که این گونه رفتارها می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری در جامعه و خانواده بر جای بگذارد، به منظور جلوگیری از رفتارهای خرابکارانه بهتر است از مهارت‌های مختلفی استفاده شود، تکنیک کنترل هیجانات، آموزش رفتار والدین، درمان چند سیستمی درمان‌های رفتاری شناختی می‌تواند کمک زیادی به نوجوانان بکند تا نوجوانان بتوانند برای خود یک محیط سالم و دور از خطر ایجاد کرده و زندگی سالمی داشته باشند، در یافته‌های ساکزو همکارانش (۲۰۱۵)، هاشمی‌فرد (۱۳۹۴)، قنصوری (۱۳۹۴) نتایج همسو می‌باشد.

شاخص دیگری که باید به آن توجه شود، «اندازه اثر» می‌باشد که در جدول با عنوان مجذور اتا مشخص شده است. مجذور اتا نشان دهنده درصدی از واریانس نمرات پرخاشگری می‌باشد که در اثر اجرای عمل آزمایشی بوجود آمده است. مقدار مجذور اتا برابر ۰/۹۰ می‌باشد که اگر آنرا تبدیل به درصد کنیم ۹۰ درصد می‌شود، بدین معنا که ۹۰ درصد از تغییرات نمرات پرخاشگری ناشی از آموزش هوش اخلاقی می‌باشد به زبان دیگر، آموزش هوش اخلاقی باعث ۹۰ درصد تغییر در نمره‌های پرخاشگری گردیده است.

نتایج حاصل از این فرضیه حاکی از این است، بین هوش اخلاقی در رابطه با پرخاشگری رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی آموزش هوش اخلاقی باعث کاهش پرخاشگری در نوجوانان می‌گردد. یعنی هر چه آموزش اخلاق در خانواده‌ها یا مدارس و مؤسسات با کیفیت خوبی برگزار شود پرخاشگری در نوجوانان کمتر می‌شود. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که افزایش و کاهش یکی از متغیرها بر نوجوانان اثر دارد. بر اساس نتایج حاصل از بررسی فرضیه اصلی تحقیق حاکی از رابطه معنی‌دار بین متغیرها می‌باشد، و اهمیت آموزش هوش اخلاقی بر پرخاشگری بیشتر احساس

می‌گردد، از اینرو و تجزیه و تحلیل موضوع و آگاهی از اثرات هر یک از متغیرها بر روی نوجوانان، سازمان‌ها را به سوی اقدامات جدی به منظور پیشگیری از عواقب نامطلوب در محیط‌های خانوادگی و آموزشی سوق می‌دهد، کیفیت زندگی نوجوانان از موضوعات بسیار تأثیرگذار در افزایش کارایی آنها در جامعه می‌باشد بهتر است ارتباط همدلانه از سوی آموزش دهندگان اعمال گردد تا باعث ارتقاء عملکرد بهتر و دور از پرخاشگری و خشونت در نوجوانان بشود. به منظور جلوگیری از پرخاشگری و خشونت در نوجوانان بشود. به منظور جلوگیری از پرخاشگری در نوجوانان بهتر است از مهارت‌های کنترل خشم، کنترل هیجانات و تکنیک‌های حل مسئله استفاده کرد یا با تشکیل کارگاه‌هایی با کمک دوستان، خانواده، آموزگاران به یاری این عزیزان رفت.

و حتی می‌توان از دارو درمانی همراه با این تکنیک‌ها استفاده کرد. تا جوانان و نوجوانان درست رفتار کردن و درست اندیشیدن و کنترل کردن خود را در تمام مقاطع زندگی بیاموزند و زندگی پربار همراه با آرامش برای خود و دیگران فراهم کنند، در یافته‌های لنیک (۲۰۱۱)، گودرزی (۱۳۹۲)، عطاfer (۱۳۹۳) نتایج همسو می‌باشد.

نتایج حاصل از این فرضیه حاکی از این است بین هوش اخلاقی در رابطه با رفتار فریب‌کاری و دزدی رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی آموزش هوش اخلاقی باعث کاهش رفتار فریب‌کاری در نوجوانان می‌گردد. یعنی هر چه آموزش هوش اخلاقی در خانواده‌ها یا مدارس یا مؤسسات با کیفیت خوبی برگزار شود رفتار فریب‌کاری در نوجوانان کاهش می‌یابد. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که افزایش و کاهش هر یک از متغیرها بر نوجوانان اثر دارد. بر اساس نتایج حاصل از بررسی فرضیه اصلی تحقیق حاکی از رابطه معنی‌دار بین متغیرها می‌باشد و اهمیت و آموزش هوش اخلاقی بر رفتار فریب‌کاری بیشتر احساس می‌گردد، از این رو تجزیه و تحلیل موضوع و آگاهی از اثرات هر یک از متغیرها بر روی نوجوانان سازمان‌ها را به سوی اقدامات جدی به منظور پیشگیری از عواقب نامطلوب در محیط‌های خانوادگی و آموزشی سوق می‌دهد، کیفیت زندگی نوجوانان از موضوعات بسیار تأثیرگذار و افزایش کارایی آنها در جامعه می‌باشد بهتر است ارتباط سالم و همراه با همدلی از سوی آموزش دهندگان اعمال گردد تا باعث ارتقاء عملکرد بهتر و رفتارهای دور از فریب‌کاری و نیرنگ در نوجوانان شود، به منظور جلوگیری از رفتار مخرب فریب‌کاری و دزدی بهتر است از تمرین حقیقت، تغییر ذهنیت، درک طرف مقابل استفاده گردد. یا از تکنیک‌های حل مسئله، کنترل هیجانات هم کمک بگیرند و با تشکیل کارگاه‌هایی با کمک دوستان، هم‌کلاسی‌ها، آموزگاران، خانواده می‌توان به کمک این عزیزان رفت تا نوجوانان بتوانند راه صحیح و درست زندگی را یاد بگیرند و با سربلندی و موفقیت

در جامعه به سر ببرند، در یافته‌های ساخودولسکی و همکاران (۲۰۰۸)، مطالعه دین و همکاران (۲۰۱۲)، رستگار (۱۳۹۲)، نادری (۱۳۹۱) نتایج همسو می‌باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که افزایش و کاهش یکی از متغیرها بر نوجوانان اثر دارد. براساس نتایج حاصل از بررسی فرضیه اصلی تحقیق حاکی از رابطه معنی‌دار بین متغیرها می‌باشد، و اهمیت آموزش هوش اخلاقی بر رفتار بی‌مسئولیتی یا جامعه‌ستیزی بیشتر احساس می‌گردد. از این رو تجزیه و تحلیل موضوع و آگاهی از اثرات

هر یک از متغیرها بر روی نوجوانان، سازمان را به سوی اقدامات جدی به منظور پیشگیری از عواقب نامطلوب در محیط‌های خانوادگی و آموزش سوق می‌دهد.

رفتار بی‌مسئولیتی یا جامعه ستیزی همراه با مشکلات قانونی می‌باشد. این افراد قوانین را نادیده می‌گیرند یا نقض می‌کنند و با تهدید و رفتار بی‌رحمانه همراه با گستاخی به اهداف خود دست می‌یابند. به منظور جلوگیری از این‌گونه رفتارها بهتر است از تکنیک‌هایی مثل حل مسئله، کنترل هیجان‌ها استفاده کرد، یا درمان والدین و خانواده و درگیر ساختن خانواده استفاده کرد و اگر بر اساس برنامه‌های یادگیری اجتماعی باشد بهتر است پرهیز از تنبیه و ارائه تقویت‌های ملایم را به کار برد و ایجاد جوی حاکی از اطمینان نیز مؤثر می‌باشد تا نوجوان بتواند راه غلط را از راه درست باز شناسد تا عملکرد بهتری در جامعه داشته باشند، در یافته‌های ترژی و آلموند (۲۰۰۸)، پتی و داجی (۲۰۱۳)، در تحقیقی که مرزآبادی (۱۳۹۲)، گودرزی (۱۳۹۲) نتایج همسو می‌باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که افزایش و کاهش یکی از متغیرها بر نوجوانان اثر دارد. بر اساس نتایج حاصل از بررسی فرضیه اصلی تحقیق حاکی از رابطه معنی داری بین متغیرها می‌باشد و اهمیت آموزش هوش اخلاقی بر رفتار بین فردی ضعیف بیشتر احساس می‌گردد.

از این رو تجزیه و تحلیل موضوع و آگاهی از اثرات هر یک از متغیرها بر روی نوجوانان، سازمان‌ها را به سوی اقدامات جدی به منظور پیشگیری از عواقب نامطلوب در محیط‌های خانوادگی و آموزشی سوق می‌دهد، در زمانه‌ای که هر لحظه آن در گرو تغییرات شگفت‌انگیز است ارتباط حرف اول را می‌زند به همین دلیل کیفیت زندگی هر کس بستگی به کیفیت ارتباطات با دیگران دارد، افراد از طریق برقراری ارتباط صمیمانه قادر خواهند بود احساسات و عواطف خود را به اعضای خانواده دوستان و نزدیکان ابراز نمایند تا با مسائل و مشکلات پیش آمده به بهترین نحو رفتار نموده راه‌حل‌های جدیدی را کشف کنند، به منظور جلوگیری از روابط مخرب در نوجوانان بهتر است از مهارت‌های حل تعارض و مهارت‌های حل مشکل گروهی و حل مسأله استفاده نمود: یا با تشکیل کارگاه‌هایی با کمک دوستان، خانواده، آموزگاران به یاری این عزیزان رفت، به امید اینکه نوجوانان و جوانان روابط بین فردی درست را بیاموزند و در راه درست به کار گیرند، در یافته‌های نروایز (۲۰۱۰)، پاسالیچ و همکاران (۲۰۱۱)، بهشتی فرد (۱۳۹۱)، شجاعی (۱۳۹۰) نتایج همسو می‌باشد.

این پژوهش همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌های مواجه بود. از جمله اینکه این پژوهش در بین دانش‌آموزان مرکز بهزیستی گرگان انجام شده است و از تعمیم‌دهی یافته‌های این پژوهش به دیگر دانش‌آموزان در مراکز دیگر بهزیستی جوانب احتیاط را رعایت کرد. پژوهش حاضر به اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر کاهش علایم اختلال سلوک در دانش‌آموزان مرکز تربیت و اصلاح رفتار بهزیستی گرگان پرداخته است پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر گروه‌های دیگر نیز انجام گردد تا قابلیت تعمیم دهی بیشتری داشته باشد.

منابع

- اکرمی، ناهید. (۱۳۷۱). مقایسه تحول قضاوت اخلاقی در کودکان و نوجوانان بزهکار و بهنجار و بررسی تاثیر شرایط خانوادگی بر آن. پایانامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشگاه تربیت مدرس.
- بوربا، میکله. (۱۳۹۲). پرورش هوش اخلاقی: هفت فضیلت اساسی که برای درست رفتار کردن به فرزندان باید آموخت. تهران: انتشارات رشد.
- ربیعی، ناژین؛ دولتشاهی، بهروز و فریبرز، باقری. (۱۳۸۹). مقایسه بازداری در کودکان دبستانی دارای علائم و نشانه‌های اختلال سلوک با کودکان بهنجار. مجله روانشناسی بالینی، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، ص ۱-۸.
- رستگار، علی. (۱۳۹۲). بررسی نقش رهبری معنوی در هویت یابی سازمانی. پژوهش‌های مدیریت عمومی، شماره ۱۶، ص ۱۲-۲۳.
- زینالی، شیرین؛ خانجانی، زینب و سهرابی، فائزه. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش والدین بر کاهش علائم اختلال سلوک و پرخاشگری نوجوانان ۱۴-۱۶ سال. مجله سلامت و بهداشت، سال ششم، شماره پنجم، ص ۵۶۵-۵۷۴.
- سهرابی، فائزه؛ خانجانی، زینب و زینالی، شیرین. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش فرزند پروری والدین بر کاهش علائم اختلال سلوک و بهبود سبک‌های فرزند پروری. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، دوره ۱۷، شماره ۲ (پی در پی)، ص ۲۴-۳۰.
- عطافر، علی. (۱۳۹۳). تأثیر رهبری معنوی اسلامی بر عملکرد سازمان شرکت گاز استان لرستان. فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، شمار ۲۱، ص ۱۰۱-۱۱۳.
- قصوری، مرضیه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش اخلاقی و رهبری معنوی با تعهد سازمانی در بین معلمان شهرستان زرقان. پایانامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت دولتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- کبودین، عقیل. (۱۳۹۱). نقش تصمیم‌گیری، صفات شخصیتی سایکوپاتیک و حافظه هیجانی در پیش بینی واکنش‌پذیری نوجوانان دارای اختلال سلوک. پایانامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی. دانشگاه محقق اردبیلی.
- کهریزه، مهناز. (۱۳۹۵). اثربخشی قصه‌گویی بر هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر کلاس اول ابتدایی مناطق ۲ و ۱۷ شهر تهران. پایانامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی مشاوره و راهنمایی. دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- گودرزی، کورش. (۱۳۹۲). هوش اخلاقی و رضایت شغلی آموزگاران. پایانامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات بروجرد.
- نادی، محمد علی. (۱۳۹۱). الگویابی معادله‌ی ساختاری روابط بین جو اخلاقی، رضایت شغلی و تعهد سازمانی با نیت ترک خدمت در بین کارکنان بیمارستان‌های خصوصی شهر شیراز، نشریه علوم رفتاری، شماره ۲۲، ص ۲۰-۳۲.
- نجفی، محمود؛ فولاد چنگ، محبوبه، علی‌زاده، حمید و محمدی فر، محمدعلی. (۱۳۸۸). میزان شیوع اختلال کاستی توجه بیش‌فعالی، اختلال سلوک و اختلال نافرمانی مقابله‌ای در دانش‌آموزان دبستانی. مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، شماره سوم، ص ۲۵۴-۲۳۹.
- هاشمی‌فر، فهیمه. (۱۳۹۳). بررسی تجربی رهبری، معنوی، گردش شغلی، رضایت شغلی، تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی. پایانامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی. دانشگاه پیام نور، بین الملل قشم
- یوسفی، فایق؛ هوشیاری، سوما. (۱۳۹۴). شیوع و عوامل مرتبط با اختلال سلوک در دانش‌آموزان متوسطه شهرستان سنندج. ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، (۱)۱۹.

- Amini Moghadam, Y., Rezaei, A., & Makvand Hoseyni, S. (2019). preparation and standardization the moral intelligence of children questionnaire based on Borba's theory. *Quarterly of Educational Measurement*, 9(34), 27-45.
- Bernhard, A., Mayer, J. S., Fann, N., & Freitag, C. M. (2021). Cortisol response to acute psychosocial stress in ADHD compared to Conduct Disorder and Major Depressive Disorder: A systematic review. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 127, 899-916.
- Deans, C., Mayers, K., & Evants, E. (2012). Communicating wide implementation of parenting program: the south east sydney positive parenting program. *Australian journal for the advancement of mental health*, 3, 1-12.
- Lennick, d. (2011). moral intelligence: enhancing business performance and leadership success inturbulent times, newjersey, pearson education. *Jurnal Cognition & Emotion*, 15, 445- 460
- opkins-Burke, R., & Hodgson, P. (2015). Anti-social behaviour, community and radical moral communitarianism. *Cogent Social Sciences*, 1(1), 1033369.
- Pasalich, D. S., Dadds, M.R., Hawes, D.J., & Brennan, J. (2011). Do callousunemotional traits moderate the relative importance of parental coercion versus warmth in child conduct problems? An observational study. *Jurnal Child Psychol Psychiatry*, 52(12),1308-15.
- Pettit, G. S., & Dodge, K. A. (2013). Violent children: Bridging development, in tervention, and public policy. *Jurnal Developmental psychology*, 39, 187-188.
- Rhim, J., Lee, G. B., & Lee, J. H. (2020). Human moral reasoning types in autonomous vehicle moral dilemma: a cross-cultural comparison of Korea and Canada. *Computers in Human Behavior*, 102, 39-۵۶.
- Saks, A. M., Mud rack, P. E., & Ash forth, B. E. (2015). "The Relationship between the work ethic, Job attitudes, ingenuous to twit, and turnover for temporary Service employees" *Canadian Journal of Administrative Sciences*, 13(3), 226-236.
- Sukhodolsky, D. G., & Martin, A. (2008). Parent management training: treatment for oppositional, aggressive, and antisocial behavior in children and adolescents. New York: Oxford University Press, ۴۲۴.
- Terje, O., & Kristine Almund, H .(2008). Treatment effectiveness of parent management training in Norway: A randomized controlled trial of children with conduct problems. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 4, 607-621.
- Van Goozen, Stephanie HM, Kate Langley, and Christopher W. Hobson. "Childhood antisocial behavior: a neurodevelopmental problem." *Annual review of psychology* 73 (2022): 353-377.